

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

کریم و لئیم

شنیدم که مردی دغلباز بود
قضا را یکی مرد آزاده ای
پدیدار گشتی فروزان ز دور
فرو کرد دستی به جیب کریم
سُبُک آن سخی مرد دستش گرفت
تولا همیکرد مرد لئیم
بخشای بر من که بد کرده ام
فقیرم ندارم ره و توشه ای
تأمل نمود آن سخی مرد بیش
بگفتا تو ای مرد صاحب جمال
کنون که تو دستی به جیبی زدی
نگیرد دل من ز فکرت قرار
جهان گر بتو مهر و رزیده بود
ز هر کیسه ای پیسه ای میربود
سخی طبع و دانا کرم پیشه ای
دغاپیشه را حرص بنموده کور
نکردی ازان کرده خویش بیم
برآورد دستی و سختش گرفت
سرافکنده ام زیـن گناه عظیم
یکی بد نه بلکه دوصد کرده ام
نه کاری نه مزدی و نی پیشه ای
رها کرد دست و بخواندش به پیش
به دزدی نباید ببندی خیال
بدان اینکه بر من نهیبی زدی
توئی حاصل زشت این روزگار
کنون حال تو کی بدین گونه بود

ملا مت نه تنها توئی در خصال	گروه دگر داده اندت مجال
توئی آن توانا جوانی به فرد	که شلاق دنیا رخت کرد زرد
بیا نــــزد من تا توانت دهم	توانی به روح و روانت دهم
برم نــــزد عمل دولت ترا	سرافراز سازم به خلعت ترا
دهم منصبی در خور شان تو	که آرام گیرد ز غم جان تو
مگو اینکه دستی تو بر ما زدی	که آن دست بر خوان یغما زدی
زبون مرد رنگی ز رخ باخته	بشد حالیش آنچه دریافته

کرم کرد دانا به آن مرد ریش

کرم سرفرازی بیارد به پیش

(المان - ۲۶ دسمبر ۲۰۱۱)